

## زندگینامه اندیشمند فقید دکتر نصرت‌الله ساریخانی (استاد برجسته علوم مهندسی جنگل)

وحید اعتماد \*

\* دانشیار، گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، ایران  
vetemad@ut.ac.ir



◀ تو با خون و عرق، این جنگل خیرود را رنگ و رمق دادی  
تو با دست تهی با آن همه طوفان بنیان‌کن در افتادی  
تو را کوچیدن از این خاک، دل برکندن از جان است  
تو را با برگ‌برگ جنگل خیرود پیوند پنهان است  
بهره‌برداری علمی، فنی و محیط‌زیستی از منابع جنگلی در ایران، با نام  
استاد نصرت‌الله ساریخانی و کتاب ارزشمند ایشان با عنوان «بهره‌برداری  
جنگل» عجیب شده است. نمی‌دانم از کجا باید شروع و چگونه باید درباره  
شخصیتی علمی و فرهیخته همچون او صحبت کرد که وی یکپارچه  
عاشق حرفه معلمی جنگل و کار در جنگل بود. ایشان همواره معتقد بود،  
میلیون‌ها ساعت کار برای فارغ‌التحصیلان رشته جنگل در جنگل‌های  
ایران وجود دارد. هر زمان نام جنگل خیرود می‌آید، ناخواسته یاد و



دکتر ساریخانی در دوران بازنشستگی



خاطره بزرگ‌مردی زنده می‌شود که بهترین سال‌های عمر پر برکت خود را برای تأسیس جنگل آموزشی و پژوهشی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران به‌عنوان مرکزی برای آموزش‌های درسی و فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان و محققان ایرانی و خارجی صادقانه و صمیمانه صرف کرد. نصرت‌الله ساریخانی مربی، استادیار، دانشیار و استاد پیشکسوت دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران در فروردین سال ۱۳۱۱ شمسی در شهر ری تهران پا به عرصه وجود نهاد، او ششمین پسر از هشت فرزند اصغر ساریخانی و فرخنده عابدی بود، پدرش بازرگان بود. تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان مولوی شهر ری گذراند و بقیه تحصیلات خود را در دبیرستان حکیم نظامی تهران ادامه داد، در سال ۱۳۳۰ (ش) موفق به اخذ دیپلم طبیعی

از مدرسه دارالفنون تهران شد. وی به‌دلیل علاقه‌مندی به طبیعت، پس از گذراندن یک دوره آموزش جنگلبانی در سال ۱۳۳۲ (ش) به استخدام بنگاه جنگل‌ها درآمد. در ابتدای کار به‌عنوان رئیس دایره بهره‌برداری و جنگل‌کاری استان خراسان مشغول به کار شد و تا سال ۱۳۳۶ (ش) در همین سمت فعالیت کرد. در همین زمان آقای پروفیسور هانس گلازر آلمانی (Prof Hans Glaeser) به‌عنوان کارشناس جاده‌سازی از طرف سازمان خواربار جهانی (Forest Agriculture Organization: FAO) به ایران اعزام شده بود و قصد داشت در جنگل‌های لوه، یک جنگل نمونه احداث کند. وی برای کار در جنگل به یک نفر مهندس جنگل، آشنا به زبان انگلیسی، نیاز داشت. از میان معرفی‌شدگان آقای مهندس ساریخانی انتخاب شد، به‌این ترتیب از سال ۱۳۳۶ (ش) به مدت دو سال در طرح جنگل‌داری لوه به‌عنوان



استاد در سال ۱۳۴۴، نفر اول ایستاده از سمت راست



دکتر ساریخانی ایستاده در کنار همکاران سازمان در جنگل‌های لوه



دوران جوانی در بدو استخدام



دوران جوانی



نفر چهارم از چپ، در کنار ایشان پروفیسور هانس گلایزر در جنگل‌های لوه گرگان



در فرایبورگ آلمان



دوران جوانی در مسافرت به شیراز



نفر پنجم از سمت چپ



دکتر ساریخانی و دکتر عزیز اصلی



دکتر ساریخانی و پروفسور هانس گلایزر



دانشگاه آلبرت لودویک فرایبورگ کشور آلمان

معاون طرح همکاری داشت. بعد از دو سال کار مداوم و فشرده در جنگل‌های گرگان و رضایت‌مندی از شایستگی‌های کاری، مهندس ساریخانی در سال ۱۳۳۸ (ش) بنا به پیشنهاد پروفسور گلایزر از طرف دولت ایران برای ادامه تحصیل در رشته علوم جنگل به کشور آلمان اعزام شد. در همین زمان آقای پروفسور گلایزر به اتفاق پنج استاد خارجی دیگر و با کمک سازمان خواربار جهانی مشغول تأسیس انستیتوی جنگل در دل دانشکده کشاورزی بودند. بنا به ارزش و اهمیت جنگل‌های ایران و بسط علوم جنگل‌داری، این انستیتو بعدها ارتقا یافت و به دانشکده جنگل‌داری و سپس در سال ۱۳۵۱ (ش) به دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران تغییر نام داد. مهندس ساریخانی در سال ۱۳۴۳ (ش) پس از گذراندن مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد با کوله‌باری از تجربیات علمی و عملی و دانش روز از دانشگاه آلبرت لودویک فرایبورگ کشور آلمان به ایران بازگشت. بعد از مراجعت به کشور، در سال ۱۳۴۳ (ش) به استخدام سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور درآمد و به فعالیت مشغول شد. در این زمان دو سال از تأسیس انستیتوی جنگل در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران می‌گذشت، این انستیتو با کمک‌های مالی و کارشناسی فائو (FAO) تأسیس شده بود. بعد از طی مراحل استخدام و شروع کار، در اولین فرصت با پروفسور گلایزر دیدار کرد، پروفسور گلایزر به او پیشنهاد داد تا در کلاس‌های درس وی در دانشگاه تهران حاضر شود و به او در انجام امور آموزشی کمک کند. همچنین بنا به درخواست پروفسور گلایزر، به هیئت علمی انستیتوی جنگل دعوت شد. پروفسور گلایزر در آن زمان ۱۴ واحد درسی را در دانشگاه تهران تدریس می‌کرد، مهندس ساریخانی به‌عنوان مترجم، دروس تدریس شده را از زبان انگلیسی و آلمانی به فارسی برمی‌گرداند و در کلاس ارائه می‌داد. ایشان با صبر و حوصله و جدیت بسیار، در جمع‌آوری، تدوین و تنظیم بعضی دروس با پروفسور گلایزر همکاری می‌کرد و هر سال در ایام تابستان، به مدت دو ماه، عملیات دو درس بهره‌برداری و تهیه پروژه راه‌های جنگلی را با وجود چالش نبود امکانات در جنگل آموزشی و پژوهشی خیرود، پارک سیسنگان، لاجیم و گلبنده دانشجویان تعلیم می‌داد. ایشان در ابتدا به‌عنوان همکار پروفسور گلایزر مشغول به کار شد و سپس به‌عنوان جانشین او به آموزش و تدریس دروس مهندسی جنگل در انستیتو پرداخت. در سال ۱۳۴۳ (ش) همزمان با مکان‌یابی جنگل آموزشی و پژوهشی توسط پروفسور اتر و دکتر اصلی، مهندس ساریخانی با استفاده از بورسیه فائو دوباره به کشور آلمان و دانشگاه فرایبورگ اعزام شد تا دکترای خود را در زمینه مسائل بهره‌برداری در جنگل‌های شمال ایران به اتمام برساند. پس از اخذ درجه دکترا و اتمام تحصیلات در سال ۱۳۴۶ (ش) با عشق و علاقه و حس وطن‌پرستی وصف‌ناپذیر، با وجود پیشنهادهای خوب رفاهی و تسهیلات دانشگاهی کشور آلمان، به ایران بازگشت و برای مدت کوتاهی با آقای پروفسور گلایزر همکاری کرد. پس از بازنشستگی آقای پروفسور گلایزر و مراجعت وی به کشور آلمان، استاد ساریخانی علاوه بر تدریس دروس بخش مهندسی جنگل، سه

واحد درسی به نام مقدمه جنگل را در دانشکده جنگل‌داری ارائه کرد. براساس پروژه پیشنهادی آقای پروفسور اتر به سازمان جنگل‌ها و پس از انجام تشریفات اداری و ردوبدل شدن موافقت‌نامه‌ها در سال ۱۳۴۵ (ش)، جنگل خیرود به دانشکده جنگل‌داری وقت تحویل داده شد. پس از واگذاری رسمی جنگل خیرود به مساحت ۸۰۱۷ هکتار، استاد ساریخانی به‌دلیل سابقه کار و روحیه انجام کارهای بزرگ به‌عنوان اولین سرپرست و مسئول راه‌اندازی این مرکز آموزشی و پژوهشی انتخاب شد.

استاد ساریخانی پس از واگذاری جنگل به دانشکده، با هدف تأمین بودجه برای احداث جاده‌های جنگلی، تأسیسات و ساختمان اداری و نیز راه‌اندازی جنگل با برنامه‌های عملی و علمی نوین، مذاکراتی را با مدیریت دانشگاه تهران ترتیب داد. متأسفانه دانشگاه تهران در اولین قدم حمایت و همکاری لازم را برای اجرای طرح بزرگی انجام نداد. اما ایشان با اراده قوی و ایمان به کار، از پا نشست و با توجه به شرایط موجود برای تأمین بودجه، پس از ملاقات حضوری با مدیران رده بالای سازمان برنامه و بودجه عزم خود را جزم و درنهایت با تلاش فراوان آنها را متقاعد کرد تا بودجه‌ای را مانند کمک‌های سازمان فائو پرداخت کنند. راه‌اندازی چنین پروژه‌ای، به مثابه آزمایشگاهی برای آموزش دانشجویان بود. وی برای متقاعد کردن مسئولان این سازمان، از اسناد و مدارکی استفاده کرد که نشان می‌داد، سازمان فائو تا آن زمان برای تأسیس انستیتوی جنگل و اعزام تعدادی از استادان خارجی از کشورهای آلمان، سوئیس و یوگسلاوی چقدر هزینه کرده است، او سرانجام توانست با سماجت بسیار برای ساخت خوابگاه دانشجویان و آموزش‌های عملی در جنگل آموزشی دانشکده و یک ساختمان برای مهندس جنگل در نزدیکی خوابگاه دانشجویان اعتباراتی را دریافت کند. این مذاکرات منجر به تصویب اعتباری با مبلغ معادل ۳۰۰ هزار تومان شد که برای ساخت بنایی به مساحت ۳۰۰ مترمربع کافی بود. ایشان با بلندنظری که داشتند، این مساحت را بیشتر در نظر گرفتند و با ریزنی‌های لازم و دوستانه با مأمور اعزامی، که برای نقشه‌برداری ساختمان به خیرود رفته بود، او را متقاعد کردند تا نقشه ساختمان خوابگاه‌ها را به دو برابر افزایش دهد (یعنی ۶۰۰ مترمربع) و نقشه ساختمان ویلا را نیز در محوطه نهالستان تهیه کند. درنهایت با پیگیری‌های مکرر، سختی‌های بسیار، ریسک فراوان و ازخودگذشتگی زیاد در مدت سه سال موفق به ساخت خوابگاه‌های دانشجویی و محل اسکان مهندس مقیم شد. دوراندیشی و آینده‌نگری ایشان که نشان از علاقه و ایمان به کار داشت، سبب شد افق‌های دور را برای این پروژه ترسیم کند، او توانسته بود قطعه‌زمینی را از مجموعه زمین‌های تخریب‌شده جنگل‌های جلگه‌ای به نفع دولت تصاحب و محصور و آن را به نهالستان و منزل مسکونی تبدیل کند، این قطعه‌زمین هم اکنون به‌عنوان نهالستان استفاده می‌شود. استاد با احداث تأسیسات مورد نیاز جنگل آموزشی، فعالیت‌ها و زحمات‌های فراوانی را طی سال‌های اولیه انجام دادند و خوشبختانه توانستند براساس اولویت، پروژه‌های احداث چاه آب، منبع ذخیره آب، انبار وسایل و ماشین‌آلات کارگاهی و کارگاه



عملیات درس بهره‌برداری در جنگل خیرود



عملیات درس بهره‌برداری، نفر اول ایستاده از راست



آموزش درس جاده‌سازی در جنگل خیرود



نفر دوم ایستاده از چپ در عملیات دانشجویی همراه با استاد جوانشیر، استاد نمیرانیان، استاد زبیری و استاد عادل



عملیات دانشجویی در جنوب ایران نفر دوم ایستاده از چپ همراه با استاد جوانشیر، استاد عادل و استاد سبحانی



بازدید از نهالستان شهر پشت نوشهر، نفر چهارم از چپ



نجاری را یکی پس از دیگری اجرا کنند.

یکی از اقدامات مهم و دردسرسازی که ایشان پیش از انجام همه امور انجام داد، اتصال جاده آسفالته کناره به محل طرح بود که با کمترین امکانات و با وجود مشکلاتی که صاحبان زمین برای طراحی و ساخت چنین جاده‌ای به وجود آورده بودند، در سال ۱۳۴۸ (ش) به اتمام رسید. همگام با این اقدام طراحی مسیر هادی جاده جنگلی از ابتدای زنجیر به بعد در دست اقدام بود. استاد ساریخانی همیشه از احداث مسیر جاده کناره به طرح و ادامه آن با افتخار صحبت می‌کرد و انجام آن را از میان سایر طراحی‌ها، که توسط کارشناسان خارجی ارائه شده بود، ترجیح می‌داد و اجرای آن را با توجه به کمترین تخریب عرصه جنگل به صرفه و صلاح جنگل ارزیابی می‌کرد.

تأمین برق ساختمان‌های اداری و خوابگاه‌های دانشجویی، تأسیسات چاه آب و کارگاه نجاری از جمله کارهایی بود که طی مدت دو سال دوندگی بین دانشگاه تا شرکت توزیع نیروی برق در ساری و نوشهر عملیاتی شد. نیروی برق در حالی تأمین شد که هیچ‌یک از روستاهای اطراف از این امکان برخوردار نبودند و از این لحاظ برای روستای نجارده یک امکان جدید بود که از همان زمان توانستند مسجد روستا را نیز از این نعمت بهره‌مند کنند.

خودروهای اداری و جاده‌سازی از جمله ماشین‌انیماک و یدک‌کش آن برای شن‌ریزی و جاده‌سازی، دستگاه سنگ‌شکن و غلتک، وسایل و لوازم احداث جاده مانند کمپرسور هوا برای حفر چاله برای انفجار صخره‌ها و تأمین مواد منفجره و ساختمان نگهداری آنها همه از مواردی بود که یکی پس از دیگری طی زمان با وجود روحیه خستگی‌ناپذیر این استاد عاشق طبیعت و با استفاده از کمک‌های مالی فائو فراهم شد. در آن زمان با جسارت و از خودگذشتگی‌های فراوان، مقادیر زیادی مواد منفجره، فتیله و چاشنی‌های موردنیاز در انبار نزدیک خوابگاه دانشجویی نگهداری و برای عبور جاده از نقاط صخره‌ای و صعب‌العبور استفاده می‌شد و همین کار مشکلات زیادی را در محیط کار برای ایشان ایجاد کرده بود، خوشبختانه کارشناسی‌های اداری نتوانست آسیبی به سابقه کاری استاد وارد کند.

به دلیل ضعف مالی موجود و ناتوانی در استخدام کارشناس جنگل توسط دانشگاه تهران با پیگیری‌های لازم از سپاه صلح جهانی درخواست کمک کردند. در آن زمان از سوی سازمان ملل ترتیبی داده شده بود تا کارشناسان فارغ‌التحصیل رشته جنگل و متقاضی انجام خدمت سربازی در جنگل‌های سایر کشورهای جهان، مطابق با درخواست کشور متقاضی و توافق‌های انجام‌شده به آن کشور اعزام شوند. هدف سازمان ملل از اعزام جوانان تحصیل‌کرده در رشته‌های مختلف، تبادلات فرهنگی و علمی و کمک برای افزایش تفاهم و دوستی‌های بین‌المللی بود. استاد ساریخانی با درایت و تیزبینی بسیار و در عین حال ناامیدی، تیری در تاریکی انداختند و پس از مکاتبات متعدد موفق شدند سه نفر کارشناس جنگل به نام‌های فلیپ ملان از کشور سوئیس، کاگیا یاما از کشور ژاپن و باب بروان را از کشور امریکا به خدمت بگیرند. آنان به مدت دو سال زیر نظر استاد فقید خدمات ارزنده‌ای را انجام دادند و پس از پایان دوره سربازی و

کارآموزی در جنگل دانشکده، هر یک به کشور خود بازگشتند. هنوز در بین کارکنان جنگل خیرود نام کلبه فیلیپ بر سر زبان‌هاست.

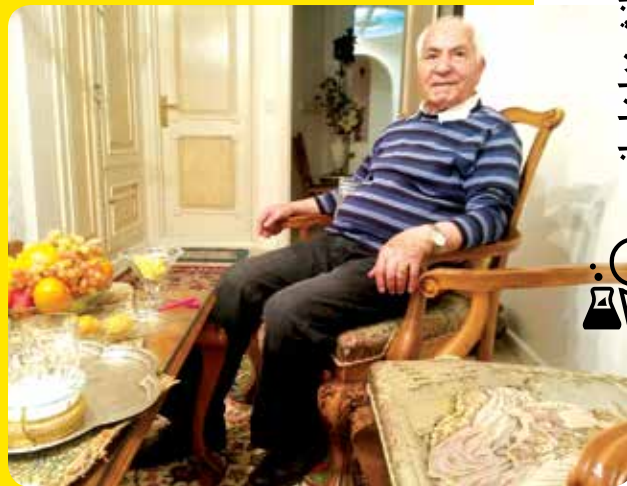
مشکلات اجرای پروژه‌های راه‌سازی بعد از طراحی جاده‌ها و ددرسره‌های خود را داشت. تأمین منابع مالی برای احداث جاده و بناهای فنی، استاد را با ددرسره‌های زیادی روبه‌رو کرد و ایشان را به صرفه‌جویی بیشتر سوق داد، به طوری که وی وسایلی را تدارک دیده بود که در محل طرح به تولید لوله‌های سیمانی برای احداث کانال‌های کناری برای ابنیه فنی بپردازد. کار جاده‌سازی با مشکلات فراوان، در سایه تلاش‌های استاد طی مدت هشت سال فعالیت به‌عنوان سرپرست جنگل پیش می‌رفت، جاده‌های بخش پاتم تا کیلومتر ۱۲ (ابتدای بخش نم‌خانه) در سال ۱۳۵۵ (ش) به اتمام رسید. بعد از کناره‌گیری ایشان از سرپرستی جنگل، همچنان مسئولیت طراحی و نظارت بر اجرای جاده‌های جنگلی بر عهده ایشان بود، در همین مسیر بود که استاد فرزانه جناب آقای دکتر باریس مجنونیان بعد از اتمام تحصیلات عالی به‌عنوان معاون و همکار ایشان از کشور اتریش بازگشتند و ایشان را تا سال‌های آخر خدمت در طراحی، برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای فعالیت‌های ساختمانی جاده‌های جنگلی همراهی کردند. هم‌اکنون جنگل خیرود دارای شبکه کامل جاده‌ای به طول بیش از ۶۰ کیلومتر است. زحمات طراحی مجموعه جاده‌های جنگل خیرود بر دوش استاد ساریخانی بود، استاد بزرگوار جناب آقای دکتر باریس مجنونیان نیز در این مسیر ایشان را در بسیاری از طراحی‌ها و اجرای عملیات جاده‌سازی از سال‌های ۱۳۵۵ (ش) همراهی کردند. ایشان، حین انجام کارهای طراحی جاده‌های جنگلی از وجود دانشجویان ساعی و علاقه‌مند نیز استفاده می‌کردند. در این رابطه تعداد زیادی از دانشجویان به کار گرفته شدند و ثمرات خوبی را به بار آوردند. استاد مجید لطفعلیان صاحب کتاب «بهره‌برداری جنگل»، یکی از همان دانشجویان است که اکنون در کسوت استادی در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه مازندران به فعالیت مشغول است، دیگری استاد عطاالله حسینی است، ایشان نیز در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران حضور دارند.

استاد ساریخانی همواره به‌عنوان استادی متعهد و همراه در همه مسئولیت‌های بعدی تلاش خود را برای گروه به نحو احسن انجام دادند، به طوری که بعد از سرپرستی جنگل دو بار در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۷۰ (ش) مسئولیت مدیریت گروه جنگل‌داری را متقبل شدند، ایشان در این مسئولیت نیز، فردی جدی و منضبط بودند و آثار خوبی را در زمینه مسائل آموزشی از خود به یادگار گذاشتند.

کلاس‌های درس استاد مملو از تجربیات کاری بود، او با اندوخته‌های نظری حاصل از سالیان زیاد کار و تلاش در این رشته تدریس می‌کرد. در کلاس رؤف و مهربان بود، موضوعات مختلفی را با جدیت و سرسختی برای کار به دانشجویان محول و با مثال‌های قابل فهم درس را با تبحر خاصی ارائه می‌کرد. در عملیات درسی نیز همین رفتار را داشت، برای آموختن همیشه بر انجام کارهای صحرایی اصرار می‌ورزید، از نظر او، عملیات صحرایی و اسکان در جنگل برای دانشجویان فرصتی بود تا کار خود را با دانشجویان سایر



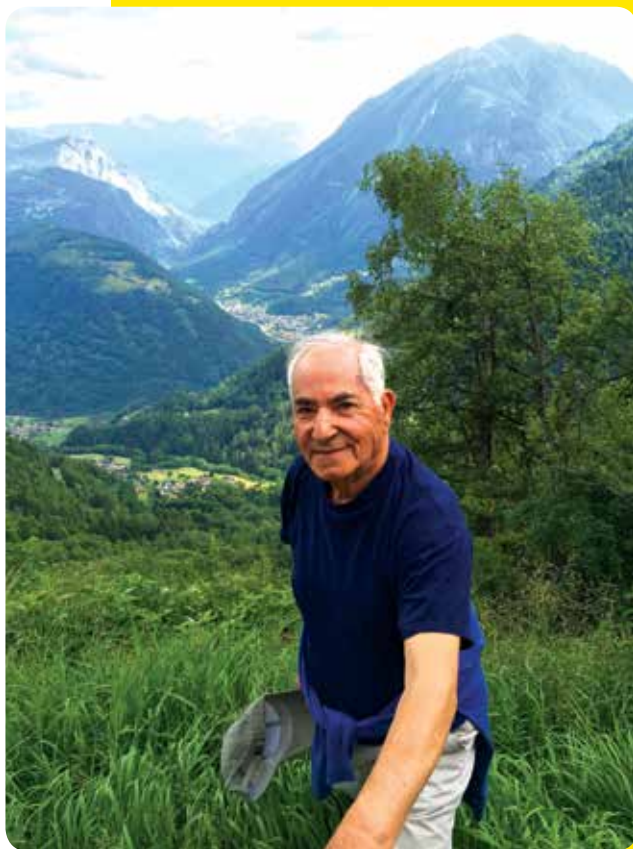
استاد با نوه خود



ایام بازنشستگی



در مسافرت خارج از کشور



در خارج از کشور



دوران بعد از بازنشستگی



رشته‌ها مقایسه کنند و همین اقدام موجب علاقه بیشتر آنها به رشته جنگل شده بود.

استاد نصرت‌الله ساریخانی در مدت سی و شش سال کار و تدریس به‌خوبی توانست، دروس علوم کار، بهره‌برداری جنگل، برنامه‌ریزی شبکه جاده‌های جنگلی، تهیه پروژه‌های جاده جنگلی و جنگل‌شناسی عمومی را تدریس کند. همه این دروس عملیات صحرایی داشت که مسئولیت آن نیز بر دوش استاد بود، همواره به همراه سایر استادان، در عملیات بازدید از اکوسیستم‌های جنگلی ایران، فعالانه شرکت می‌کرد و در برخی از سال‌ها مسئول عملیات نیز بود، این بازدیدها معمولاً برای دانشجویان سال آخر برگزار می‌شد. برای دروسی که تدریس می‌کرد، پلی‌کپی و جزوات زیادی را با حساسیت فراوان تهیه و تنظیم می‌کرد و آنها را در اختیار دانشجویان قرار می‌داد.

ایشان در طول خدمت آموزشی و اجرایی، پژوهش‌های زیادی را در زمینه بهره‌برداری از جنگل، برنامه‌ریزی کار در جنگل، قطع و استحصال درختان جنگلی، حمل‌ونقل چوب، تکنیک‌های صحیح قطع و تبدیل و تهیه پروژه‌های جاده‌سازی داشتند، ماحصل این پژوهش‌ها به‌صورت نشریه‌های جداگانه منتشر شده است. علاوه‌براین نشریات، مقالات زیادی از ایشان در مجلات داخلی و خارجی چاپ شده است که همواره مورد استفاده دانشجویان این رشته است. همچنین به سفارش سازمان برنامه و بودجه، «دستورالعمل تهیه پروژه راه‌های جنگلی» توسط ایشان در نشریه شماره ۱۴۸ این سازمان منتشر شد، در نشریه ۱۳۱ همین سازمان نیز با همکاری استاد باریس مجنونیان «راهنمای طرح، اجرا و بهره‌برداری راه‌های جنگلی» را تهیه کردند که هر دو این نشریات، به‌عنوان مرجع استفاده می‌شوند.

استاد ساریخانی در طول خدمات دانشگاهی چندین بار از فرصت‌های مطالعاتی مرتبط با بهره‌برداری جنگل در کشورهای آلمان، آمریکا، سوئد و سایر کشورها استفاده و در دانشکده‌های علوم جنگل این کشورها سخنرانی‌هایی را به زبان آلمانی و انگلیسی ارائه کردند، ره‌آورد این مسافرت‌های پژوهشی علوم بود که در کلاس درس و عملیات صحرایی به دانشجویان آموزش می‌دادند.

کتاب «بهره‌برداری جنگل» مشتمل بر ۸۰۰ صفحه حاصل زحمات سی ساله کاری ایشان بود که در سال ۱۳۷۲ (ش) به‌عنوان بهترین کتاب سال شناخته و با اهدای جوایز زیادی از سوی وزارت علوم و دانشگاه تهران تشویق شد. علاوه‌بر کتاب پر محتوای «بهره‌برداری جنگل»، کتاب دیگری را بعد از بازنشستگی، با عنوان «علوم کار» در حدود ۴۰۰ صفحه تهیه کردند که به‌دلیل هزینه زیاد متأسفانه به چاپ نرسید.

استاد ساریخانی در سن هفتاد و یک سالگی، بعد از سی و شش سال کار فشرده، پر بار و تأثیرگذار در همه ابعاد اجرایی، آموزشی و پژوهشی، درحالی‌که هنوز عشق به کار داشتند، با عزت و سربلندی به افتخار بازنشستگی نایل آمدند و برخلاف میل باطنی برای همیشه دانشکده را ترک کردند. جنگل آموزشی و پژوهشی خیرود، دروس بهره‌برداری و برنامه‌ریزی جاده‌های جنگلی و بسیاری از دانشجویان فارغ‌التحصیل دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و

دکتری دانشکده‌های منابع طبیعی دانشگاه تهران و سایر دانشکده‌های منابع طبیعی ایران، همه و همه مدیون زحمات این استاد عالی‌قدر هستند، بسیاری از دانشجویان ایشان، هم‌اکنون به‌عنوان استاد تمام در دانشگاه‌های ایران مشغول فعالیت‌های علمی هستند.

استاد ساریخانی بعد از بازنشستگی، چند سالی از وقت خود را صرف نوشتن کتاب «علوم کار» کردند و به‌دلیل چاپ نشدن کتاب از خدمات دانشگاهی کناره‌گیری کردند و به امورات شخصی زندگی خود پرداختند.

خوشبختانه با روحیه و انرژی فراوانی که تا آخر عمر به همراهشان بود، سالم در کنار خانواده حضور داشتند. ایشان در سال ۱۳۴۴ (ش) با سرکار خانم دکتر فرح کیوانجاه ازدواج کردند، ثمره زندگی مشترک آنان سه دختر به نام‌های آنایا، پانته‌آ و ماندانا بود. استاد در زندگی خصوصی همواره مراقب وضعیت تحصیلی فرزندان خود بودند و از هیچ کمکی در پیشرفت علمی فرزندان دریغ نمی‌کردند، همین امر باعث شد، همه آنها به مدارج علمی بالایی برسند، دختران استاد، استادیار دانشگاه فنی سوئد، مترجم زبان انگلیسی و دستیار جراحی بیمارستان‌های خارج از کشور هستند. بی‌شک موفقیت‌های هر مردی مدیون وجود همسری فداکار و از خودگذشته است. در این میان نیز اگر همراهی، بلندنظری و تحمل رنج دوری همسر ایشان در تمام عمر کاری استاد وجود نداشت، شاید استاد ساریخانی به چنین مقامی نایل نمی‌شدند. ایشان در ادبیات نیز دستی بر آتش داشتند و اشعار نغزی را در طول عمر پر برکت خود به یادگار گذاشتند. سینه ایشان گنجینه‌ای از اشعار شاعران بنام ایرانی بود، ایشان در کلاس درس همواره برای پرورش دانشجویان از اشعار این شاعر استفاده می‌کردند.

متأسفانه وجود نازنین ایشان، در روزهای آخر سال ۱۳۹۹ (ش)، بدون هیچ‌گونه عارضه یا بیماری خاصی در سن هشتاد و هشت سالگی به ملکوت اعلا پیوست و خانواده، دوستان و آشنایان و به‌خصوص دانشجویانش را، که همواره به آنها عشق می‌ورزید، تنها گذاشت. هنوز صدای استاد نصرت‌الله ساریخانی در توده‌های جنگلی جنگل‌های خیرود به گوش ما می‌رسد، هنوز پرندگان جنگل، نغمه نبودنش را سر می‌دهند، هنوز در پیچ و خم جاده‌های دارنو و بهارین وجود معنویت تنهایی ما را پر می‌کند و هنوز صدای ایشان در گوش ما دانشجویان است که با شور و امید از تلاش‌ها برای پیشبرد امور جنگل آموزشی سخن می‌گفت. ایشان بر این باور بود که باید به آینده نگریست و نباید به موانع موقت فکر کرد. وی یادگارهای علمی و عملی زیادی را از خود بر جای گذاشت. نام او تا ابد بر تارک دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران و جنگل خیرود باقی خواهد ماند و از او به نیکی یاد خواهد شد. وی حق بزرگی بر گردن دانشجویان و جنگلداری ایران دارد. در خاتمه گفتار به عشق، دانش و میهن‌پرستی استاد ساریخانی سر تعظیم فرود می‌آوریم و ادای احترام می‌کنیم و به روح بلند ایشان درود می‌فرستیم. دریغا که رفت، رفت ولی تا خیرود، دانشگاه تهران و دانشکده منابع طبیعی پا برجاست، نام وی ماندگار است. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.



نمونه‌ای از اشعار استاد ساریخانی

سبز و آبی و سرخ و مرجانی است  
همچو الماس، پاک و نورانی است  
در میان دو شاخه زندانی است  
در چمن آیت غزل‌خوانی است  
بر سر شاخ بید مهمانی است  
بین آنها نزاع پنهانی است  
همچو رویا و فر یزدانی است  
از در و دشت بر تو ارزانی است  
منشأ این بلیه نادانی است  
معنی‌اش حرص و آزنفسانی است  
گرچه آرامش است، طوفانی است

مرشد نسل جوان باشم نشد  
آسمان و ریسمان بافم نشد  
یا چو حافظ نکته‌دان باشم نشد  
زاهدی فارغ از آن باشم نشد  
یا چو موش شیرسان باشم نشد  
طور دیگر من بگردانم نشد  
رهبر کون و مکان باشم نشد  
یک شب آخر از چه مهمانم نشد  
خدعه آن آفت جان کم نشد  
مهر آن نامهربان مرهم نشد  
خم چو ابرو ماه تابانم نشد  
زین گنه پالوده دامانم نشد  
رازدار فکر پنهانم نشد  
باب الفت شست و رحمانم نشد  
بارها گفتم پیشیمانم نشد  
چاره‌ساز چشم گریانم نشد  
دست من بشکست سندانم نشد  
پای من در بند بود آن هم نشد  
می‌شود آخرها جانم نشد  
طب و دارو نیز درمانم نشد  
آخرت هم سهل و آسانم نشد  
بی‌گناهی عفو زندانم نشد  
هیچکس آگه ز زندانم نشد  
شعر نغزم بند تنبانم نشد  
هرچه گفتم من نه این، آنم نشد  
دست بردار از گریانم نشد  
آتش دوزخ گلستانم نشد  
رقص آتش دست‌افشانم نشد  
همه فصل زمستانم نشد  
همدمی پیگیر حرمانم نشد  
آگه از حال پریشانم نشد  
شامل حال تو هم دانم نشد  
در مقابل جور یاران کم نشد

دشت و صحرا و جنگل و بیشه  
ژاله‌ای صبحدم به روی چمن  
گل زیبای نسترن چنان بنگر  
مرغکی خوش‌نوا چون بلبل مست  
چند قمری به دور هم جمع‌اند  
دو سه گنجشک روی دیوارند  
جنگل و بیشه در سوادکوه  
نفس پاک صبح صحراها  
سیل و طوفان اگر بلا شده‌اند  
گر نداریم پاس جنگل و دشت  
جوی باران چه رازها گویند

آرزو کردم چنان باشم نشد  
عالم دهر و زمان در فلسفه  
همچون رندان می‌خورم گردم خراب  
عابدان خواهان حورند و بهشت  
خواستم چون گربه زاکان شوم  
هرزه می‌گردد بسی چرخ و فلک  
کاش ممکن می‌شد این رویای پوچ  
روز و شب در انتظار او گذشت  
هرچه بودم در پی صلح و صفا  
قهر آن بت شد نمک بر زخم دل  
خم شده از غم قامتم چون ماه نو  
چیره شد بر من شک و تردید از او  
یک رفیق خودفروش و خودپرست  
او خود از تردید من آگاه بود  
در غضب بود از من و افکار من  
تویه‌ها کردم ولیکن بی‌اثر  
مشت بر چرخ ستمگر کوفتم  
خواستم بگریزم آخر، الفرار  
گفتم از داروی بیهوشی خورم  
یک طبیب آمد که دردم می‌شناخت  
روحم آخر از بدن پرواز کرد  
مالک دوزخ طلب می‌کرد زر  
فکر کردم لااقل شعرم دواست  
دفتر اشعار من را پاره کرد  
نامه اعمال من را جعل کرد  
حکم من مفسد، محارب، ارتداد  
دست و پایم بست در آتش فکند  
حلقه زد دودم درون شعله‌ها  
آن همه هیزم در آنجا پس چرا  
گفتم از نیکی پیشیمانم شد دلم  
هیچ کس در آن دیار ساز و سوز  
آرزوهای من و امثال من  
هر چه افسون ساختم مهر و وفا



استاد با نوه دختری



استاد بعد از بازنشستگی در کرج



استاد بعد از بازنشستگی